



درس اول

قواعد ترکیب

کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین واحد زبان چیست؟

واحدهای کوچکِ زبانی چگونه با هم ترکیب می‌شوند تا بزرگ‌ترین واحد زبانی

ساخته شود؟

پیش از این، آموختیم که زبان وسیلهٔ انتقال پیام در بین انسان‌هاست. زبان از عناصری تشکیل می‌شود و کوچک‌ترین عنصر یا واحد آن «واج» است. همهٔ زبان‌های بشری از «واج» ساخته می‌شوند و در نهایت، به «واج» تجزیه می‌شوند؛ بنابراین، در نخستین مرحله لازم است واج‌ها با هم ترکیب شوند تا واحدهای بزرگ‌تری مانند «تکواژ» و «واژه» ساخته شود. می‌خواهیم بدانیم آیا می‌توان هر واجی را در کنار واج دیگر قرار داد و از آن «تکواژ» ساخت. در هر مرحله از تشکیل واحدهای زبانی، قواعد بسیار منظم و دقیقی وجود دارد که تعیین می‌کند کدام واج‌ها یا تکواژها یا واژه‌ها می‌توانند در کنار هم قرار بگیرند؛ مثلاً واج‌های /ش/، /ج/ و /د/ نمی‌توانند به صورت «شِجْد» با هم ترکیب شوند. این قاعده را کسی از پیش تعیین نکرده است بلکه آشنایی ذاتی هر اهل زبانی با زبان خودش، پیشاپیش او را از وجود چنین قاعده‌ای آگاه می‌کند و به وی یاد می‌دهد که در هنگام ساختن تکواژها یا واژه‌هایی که از اجتماع چند واج ساخته می‌شوند، به الگوهای هجایی زیر پای‌بند باشد:

(۱) صامت + مصوّت : و، ما

۲) صامت + مصوّت + صامت : سَر، بار، آب^۱

۳) صامت + مصوّت + صامت + صامت : فَرَد، گفَت، کارد

ممکن است تکواژهایی مانند پِچْش را طبق الگوی هجایی بسازیم اما باید توجّه داشته باشیم که در زبان فارسی واج‌هایی که واجگاه^۲ مشترک یا نزدیک به هم دارند، معمولاً نمی‌توانند بی‌فاصله در کنار یکدیگر قرار بگیرند. به این گونه قواعد که مانع از اجتماع برخی از واج‌ها در کنار هم می‌شوند، «قواعد واجی» می‌گویند.

فَعَالِيَّت

آیا ساختن تکواژها یا واژه‌های زیر امکان‌پذیر است؟ چرا؟
چشمش، متدین، بپرند، داگگ

پس هر تکواژ یا واژه برای اینکه تولید شود یا از زبان‌های بیگانه به زبان فارسی راه یابد، باید از صافی قواعد واجی زبان عبور کند. در غیر این صورت، کاربرد نخواهد داشت. مرحله دوم ترکیب و ساخته شدن واحدهای زبانی، ساختن «گروه» از ترکیب تکواژها و واژه‌هاست. در این مرحله نیز قواعد مشخصی بر زبان حاکم است و اجازه نمی‌دهد که گروه‌هایی نظیر «این جغرافیای نقشه»، «کار آنها مرد» و «آباد زمین این» ساخته شود. پس قواعدی که به ما کمک می‌کنند تا بتوانیم از ترکیب تکواژها یا واژه‌های مناسب، گروه‌های اسمی، قیدی و فعلی مناسبی تولید کنیم، به «قواعد هم‌نشینی» معروف‌اند.

زمانی که واحدهایی به نام «واج»، «تکواژ و واژه» و «گروه» از مراحل اول و دوم (صافی قواعد واجی و قواعد هم‌نشینی) عبور کردند، به مرحله سوم یعنی «جمله‌سازی» وارد می‌شوند. در این مرحله، گروه‌ها در کنار هم قرار می‌گیرند و از ترکیب آنها جمله ساخته

۱- هیچ کلمه‌ای در نظام آوایی زبان فارسی با مصوّت آغاز نمی‌شود پس آ... در کلماتی مثل آبر، آب، اُردک، اسم، این، او با همزه آغاز می‌شود که در شمارش واجی ۲ واج محسوب می‌گردد: مثلاً آب = ۳ واج است.

۲- واجگاه، به دستگاه تولید صداها (واج‌ها) گفته می‌شود و شامل لب‌ها، دندان‌ها، لثه، کام، نای و ... است. به واجگاه «مخرج حروف» می‌گویند.

می‌شود. در این مرحله نیز قواعد دقیقی بر زبان حاکم است که به هر گروهی – گرچه از صافی قواعد هم‌نشینی گذشته باشد – اجازه نمی‌دهد در کنار گروه دیگر بنشیند. برای مثال، جمله «تو او را دیدی» کاملاً درست ولی جمله «تو او را دیدم» به سبب عدم مطابقت نهاد و فعل، کاملاً غلط است. در حالی که تمام تکواژهای آن (تو + او + را + دیدم) تکواژهای آشنا و معنی‌دار زبان‌اند و معنای جمله ساخته شده نیز روشن است. با وجود این، ما مجاز به ساختن چنین جمله‌ای در فارسی معیار امروز نیستیم. هیچ‌کس تاکنون به ما نگفته که چنین جمله‌ای نادرست است، اما یک صافی بسیار دقیق، جمله‌ها را قبل از تولید، بررسی می‌کند و در صورتی که مطابق معیارهای زبان باشد، اجازه تولید آنها را می‌دهد. این صافی را «قواعد نحوی» می‌گویند.

علاوه بر «قواعد واجی»، «هم‌نشینی» و «نحوی»، قواعد دیگری نیز در زبان وجود دارد که به ما کمک می‌کند تا جمله‌هایی با معنا بسازیم و آنها را در موقعیت‌های مناسب به کار بریم؛ مثلاً جمله «پرنده، آسمان‌آبی را نشانده است.» از نظر قواعد نحوی درست است اما از جمله‌های عادی زبان به شمار نمی‌آید. در این مرحله از سخن، صافی دیگری وجود دارد که جمله را از نظر معنایی بررسی می‌کند که به آن «قواعد معنایی» می‌گویند.

فعالیت

با استفاده از روش جانشین‌سازی، جمله «کیفم با دل خوشی مدادش را تراشید.» را بازسازی کنید تا به جمله عادی معنادار تبدیل شود.

اگر کسی از ما بپرسد «امروز به کجا می‌روید؟» و ما در پاسخ بگوییم «شیشه شکستی است» آیا این جمله که از نظر قواعد واجی، هم‌نشینی نحوی و معنایی درست است، پاسخ به جا و مناسبی برای این پرسش است؟ در اینجا نیز قواعدی خاص به ما کمک می‌کنند تا هر جمله‌ای را در جایگاه خودش به کار بریم که به آنها «قواعد کاربردی» می‌گویند.

خودآزمایی

۱) برای هر یک از قواعد نحوی و معنایی، یک مثال بنویسید.

۲) چرا واحدهای زبانی زیر کاربرد ندارند؟

امیرکبیر دولتی دبیرستان، دانش‌آموز در درس خواندن کوشا هستند و رفتند می‌داشتند.

۳) الگوی هجایی واحدهای زبانی زیر را بنویسید.

مثال: آداب $\left\{ \begin{array}{l} \text{آ} = \text{صامت} + \text{مصوت بلند} \\ \text{داب} = \text{صامت} + \text{مصوت بلند} + \text{صامت} \end{array} \right.$

— رعد :

— خویشتن :

— خورشید :

— مؤذن :

— بنفشه :

— ماه :



درس دوم

جمله

سال پیش خواندیم که جملهٔ مستقل بزرگ‌ترین واحد زبانی است که از واحدهای کوچک‌تر ساخته شده است و خود جزئی از یک واحد بزرگ‌تر نیست. مثلاً:
در جملهٔ «اخترشناسی علمی است که» جملهٔ مستقل نیست چون جزئی از واحد بزرگ‌تر زیر است:

اخترشناسی علمی است که به مطالعهٔ اجرام آسمانی می‌پردازد.
جملهٔ مستقل دو نوع است:

۱- جملهٔ مستقل ساده که دارای یک فعل است:

«اخترشناسان در شاخه‌های تخصصی کارهای متفاوتی می‌کنند».

۲- جملهٔ مستقل مرکب که بیش از یک فعل دارد:

«بعضی از اخترشناسان متخصصانی هستند که کار آنها مشاهدهٔ اجرام آسمانی

به کمک دوربین نجومی است».

جملهٔ مستقل یک فعلی را «ساده» و چند فعلی را «مرکب» می‌نامیم.

به خاطر داشته باشیم:

جملهٔ مستقل جمله‌ای است که جزئی از یک واحد بزرگ‌تر نباشد.

جملهٔ مرکب جمله‌ای است که دست کم یک جملهٔ وابسته داشته باشد.

فعالیت

نمونه‌ای از جمله‌های مستقل یک فعلی و چند فعلی را بیان کنید.

جمله چیست؟

خواندیم که جمله ساده سخنی است که بتوان آن را به دو قسمت نهاد و گزاره تقسیم کرد؛ پس از جمله مستقل، بزرگ‌ترین واحد زبان «جمله» است.

واحد‌های زبان به ترتیب از کوچک به بزرگ عبارت‌اند از: واج، تکواژ، واژه، گروه، جمله، جمله مستقل.

جمله از چه واحدهایی ساخته می‌شود؟

جمله از یک یا چند گروه ساخته می‌شود.

سه گروه فعلی، اسمی و قیدی جمله را می‌سازند که از میان آنها گروه قیدی را می‌توان

حذف کرد زیرا فعل به آن نیاز ندارد.

گروه چیست؟

پس از جمله، گروه بزرگ‌ترین واحد زبان است که از یک یا چند واژه ساخته می‌شود

و در ساختمان جمله به کار می‌رود.

مثل: اجرام، اجرام آسمانی، مطالعه اجرام آسمانی

جهان، ماهیت جهان، تبیین ماهیت جهان

دیدیم که هر «گروه» از یک هسته تشکیل می‌شود که می‌تواند تعدادی وابسته داشته

باشد، اما آمدن وابسته‌ها در گروه الزامی نیست. هسته گروه اسمی، اسم و هسته گروه فعلی،

بن فعل و هسته گروه قیدی قید یا اسم است؛ مثلاً جمله:

«کار بعضی از متخصصان مشاهده است.» اگرچه از نظر دستوری کامل به نظر

می‌رسد اما چون نقص معنایی دارد به وابسته‌هایی نیازمند است. این جمله را به کمک

برخی وابسته‌ها می‌توان این‌گونه نوشت: «کار بعضی از متخصصان مشاهده اجرام آسمانی

به کمک دوربین نجومی است.»

واژه چیست؟

□ واژه یکی از واحدهای زبان است که از یک یا چند تکواژ ساخته می‌شود و در ساختمان واحد بزرگ‌تر به کار می‌رود. واژه می‌تواند مفهومی مستقل داشته باشد؛ مثل «میز، باغبان، دانش‌آموز و نمی‌روند» یا مفهومی غیر مستقل داشته باشد، مثل «از، در، که، را» (نقش‌نمای مفعولی) و یا در ساختار جمله مفهوم پیدا کنند، مانند: نقش‌نمای اضافه (ـِ)، حرف پیوند «و» و «ی» اسنادی در تویی (= توهستی).

فعّالیت

هسته گروه‌های زیر را مشخص کنید.

این پرسشها، دمای اجرام آسمانی، ابزارهای گوناگون، آینده آنها، مشاهده اجرام آسمانی، شاخه‌های تخصصی، تاریخچه جهان.

تکواژ چیست؟

□ تکواژ یکی از واحدهای زبان است که از یک یا چند واج ساخته می‌شود.^۱ تکواژ گاهی معنا و کاربرد مستقل دارد؛ مثل «همیشه، خوب، گوسفند، میز و من» در این صورت، آن‌را تکواژ آزاد می‌نامند. گاهی نیز کاربرد و معنای مستقل ندارد و در ساختمان واژه‌های دیگر به کار می‌رود که آن‌را تکواژ وابسته می‌نامند؛ مثل «بان، ی، مند، گار، تر» در واژه‌های آسیابان، جنوبی، آبرومند، پرهیزگار و خوب‌تر.

واج چیست؟

□ واج کوچک‌ترین واحد صوتی زبان است که معنایی ندارد اما تفاوت معنایی ایجاد می‌کند. به عنوان مثال «ت» در واژه «تر» واج است؛ زیرا اگر به جای «ت»، «پ» تلفظ کنیم، می‌شود «پر» یعنی «پ» معنای واژه را تغییر می‌دهد. حال آنکه خود معنا ندارد. پس «ت» و «پ» هر دو واج‌اند یا «ـِ» و «ـُ» که در واژه‌های «گل» و «گل» سبب تفاوت معنا می‌شوند، واج هستند. واج اگرچه خود معنا ندارد، در ساختمان واحد بزرگ‌تر زبانی - یعنی «تکواژ» - به کار می‌رود.

۱- تکواژ صفر (∅) نمود آوایی ندارد اما در شمارش تعداد تکواژها یک تکواژ شمرده می‌شود. مانند



واژه‌های هم‌آوا (۱)

به جمله‌های زیر، توجه کنید:

شاه عباس سفیری به دربار وایکان فرستاد.

صفیر گلوله از همه جا به گوش می‌رسید.

یکی از صفات خداوند که در قرآن نیز از آن یاد شده «قدیر» است.

عید «غدیر» از اعیاد بزرگ است.

در گلستان سعدی سخنان نغز و دلکش فراوان است.

پیمان شکن کسی است که عهد و پیمان خود را نقض کند.

در جمله‌های بالا، هر یک از گروه واژه‌های «صفیر و سفیر» «قدیر،

غدیر» و «نغز، نقض» هر چند تلفظ مشترک دارند و به اصطلاح «هم‌آوا»

هستند، معناها و کاربردهای جداگانه‌ای دارند و نمی‌توان آنها را به جای

هم بکار برد.

خودآزمایی

۱) نوع تکواژهای کلمات زیر را مشخص کنید.

— اخترشناسان

— تاریخچه

— آفریدگار

— قشنگتر

— گلخانه

— دانش‌پژوه

۲) در متن زیر، جمله‌های مستقل ساده و مرکب را مشخص کنید.

شاعری غزلی بی‌معنا و بی‌قافیه سروده بود. آن‌را نزد جامی برد. پس از خواندن آن گفت: «همان طوری که دیدید،

در این غزل از حرف الف استفاده نشده است». جامی گفت: «بهتر بود از سایر حروف هم استفاده نمی‌کردید!»

۳) با هریک از کلمات هم‌آوای زیر، گروه اسمی مناسب بسازید و در جمله به کار ببرید.

انتصاب، تعلم، حیات، جندر، خویش، صواب، برات

انتساب، تألم، حیاط، جزر، خیش، ثواب، براعت

۴) درباره تصویر زیر، انشایی بنویسید.



نقاشی آبرنگ از رحیم نوه‌سی



ویرایش

در سال‌های گذشته، مطالبی را دربارهٔ درست‌نویسی، ویرایش، فارسی‌نویسی و آشنایی با زبان معیار با شما در میان گذاشته‌ایم.

یادآوری :

نکات نگارشی و ویرایشی زبان فارسی سال اول و دوم را مرور می‌کنیم تا بتوانیم نوشته‌های خود را بهتر اصلاح و ویرایش کنیم.

الف) ویرایش فنی

- ۱) کاربرد درست همزه : سائِل ← سائل
- ۲) استفادهٔ درست از نشانه‌های خط فارسی : بنایی را دیدم ← بنایی را دیدم.
- ۳) جدا نوشتن کلمات مرکبی که سرهم نوشتن آنها موجب بدخوانی می‌شود : حاصلضرب ← حاصل ضرب
- ۴) کامل نوشتن عبارت‌های دعایی یا نوشتن آنها با نشانهٔ اختصاری : پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم یا پیامبر (ص)
- ۵) استفادهٔ درست و مناسب از نقش‌نمای اضافه : اسب‌سواری ← اسب‌سواری /

لب تشنه ← لب تشنه

- ۶) استفاده درست از «ی» میانجی: سبوی آب ← سبوی آب
۷) تمایز میان «ه» و «و» بیان حرکت و حرف‌های «ه»، «و»: رادی ← رادیو / خان ← خانه
۸) توجه به املای کلمات هم‌آوا و کاربرد آنها: اساس و اثاث/ خار و خوار
۹) کاربرد «ی» میانجی بزرگ به جای «ه» هنگامی که مضاف به مصوّت ختم می‌شود.

مدرسه بزرگ ← مدرسه‌ی بزرگ

۱۰) رعایت ارتباط موضوعی بندها در نوشته

- ۱۱) رعایت علایم نگارشی در زبان فارسی: نقطه (.) - ویرگول (،) - دو نقطه (:).
علامت سؤال (?) - علامت تعجب (!) - گیومه (") - نقطه ویرگول (;) - خط فاصله (-).
سه نقطه (...) - قلاب ([]) - کمانک (()) - ممیز (/) - ستاره (*) - پیکان (←) - ایضاً
(=) - آکلاد ({}). هریک از این علایم در جمله کاربرد خاصی دارند.

۱۲) حذف همزه از آخر کلمات عربی مختوم به «اء»: انشاء ← انشاء/ صفاء ← صفا

ب) ویرایش زبانی

۱) پرهیز از کاربرد شکل گفتاری جز در نوشته متناسب با نوع آن: میون بیابون ←

میان بیابان

۲) پرهیز از مطابقت موصوف و صفت در فارسی: خانم مدیره محترمه ← خانم مدیر

محترم

۳) پرهیز از کاربرد تنوین در کلمات فارسی سره و غیرعربی: زبانا ← زبانی /

تلفناً ← تلفنی

۴) رعایت صراحت، دقت و گویایی در نوشته

۵) پرهیز از جمع بستن جمع‌های عربی با نشانه‌های فارسی: اخلاق‌ها ← اخلاق

۶) خودداری از افزودن «تر» به صفت‌های تفضیلی عربی: اعلم‌تر ← اعلم

۷) رعایت کوتاهی جملات

۸) نزدیک کردن زبان نگارش به زبان گفتار

۹) پرهیز از تکلف کلامی و بیان عبارتهای فضل‌فروشانه

- ۱۰) پرهیز از کاربرد عبارتهای زاید و بی‌نقش، تکیه کلام‌ها، تکرار فعل‌ها و ...
- ۱۱) پرهیز از کاربرد واژگان و ساخت‌های دستوری کهن: از جای بشد ← عصبانی شد.
- ۱۲) کاربرد برابری‌های مناسب فارسی به جای کلمات غیر فارسی: علی کَلّ حال ← در هر حال / سیستم ← نظام
- ۱۳) پرهیز از کاربرد دو کلمهٔ پرسشی در جملات پرسشی: آیا چگونه ← چگونه
- ۱۴) کاربرد درست تکیه کلام «به قول معروف»: «به قول معروف خسته شدم» که «خسته شدم» قول معروف نیست.
- ۱۵) پرهیز از کاربرد «برعلیه» و «برله» به جای علیه و له
- ۱۶) کاربرد نادرست «را»ی نشانهٔ مفعول پس از فعل: کفشی که خریده بودی را پسندیدم ← کفشی را که خریده بودی، پسندیدم.
- ۱۷) مطابقت نهاد با فعل: هم من رفتم هم او ← هم من رفتم هم او رفت.
- ۱۸) پرهیز از تکرار فعل: در کلاس هم میز هست هم تخته هست ← در کلاس هم میز هست هم تخته.
- ۱۹) پرهیز از حشو: سوابق گذشته، فینال آخر، حُسن خوبی و ...، گذشته، آخر، خوبی.
- ۲۰) جمع بستن کلمات فارسی با نشانه‌های جمع عربی جایز نیست: بازرسین ← بازرسان، گزارشات ← گزارش‌ها، آزمایشات ← آزمایش‌ها.
- ۲۱) حذف درست فعل به قرینه: سارق را دستگیر و به زندان بردند ← سارق را دستگیر کردند و به زندان بردند.
- ۲۲) کاربرد «با» و «برای» به جای «به وسیله» و «به منظور»: به وسیلهٔ پست ← با پست
- ۲۳) به کار بردن فعل با حرف اضافهٔ خاص آن: بردن از، باختن به، ترسیدن از
- ۲۴) پرهیز از کاربرد فعل مجهول با نهاد: گلستان توسط سعدی نوشته شد ← سعدی گلستان را نوشت.
- ۲۵) پرهیز از کاربرد «یت» با کلمات فارسی: دوئیّت ← دوگانگی
- ۲۶) کلمهٔ «برخوردار» در جایی به کار می‌رود که نتیجهٔ مثبت و مفید داشته باشد. این بیمار از ضعف برخوردار است ← این بیمار ضعیف است.

۲۷) برجسته کردن تضاد بین اجزای جمله به کمک «و» مباینت یا استبعاد : مسلمان

و دروغ!

۲۸) پرهیز از کاربرد عباراتی که ابهام و کژتابی دارند : دو خواهر و برادر حافظ

کلّ قرآن شدند.

اکنون می‌کوشیم شما را با شیوه‌های درست نویسی بیشتر آشنا کنیم. از این رو تعدادی از جملاتی را که در آنها تکلف و پیچیده‌نویسی، حسو، تبعیت از الگوهای بیگانه، عامیانه‌نویسی، کهنه‌گرایی، سره‌نویسی، عربی‌مآبی، کاربردها و خطاهای رایج زبانی، نوآوری‌های کاذب، تأثیر ترجمه، شکسته‌نویسی، ایجازهای مخل، تکیه کلام‌های زاید، درازنویسی، تعابیر نامناسب، ابهام و کژتابی، غلط‌های املائی و رسم الخطی و ... وجود دارد، با هم اصلاح می‌کنیم و از این پس، می‌کوشیم هنگام نگارش، به این نوع خطاها و لغزش‌ها دچار نشویم.

۱) مسئله کوشش برای آزادی تاریخچه‌ای دراز در طول تاریخ دارد.

۲) مبارزه برای آزادی پیشینه تاریخی دور و درازی دارد.*

«مسئله» را می‌توان حذف کرد؛ زیرا زاید است. به جای واژه کوشش، «مبارزه» را آورده‌ایم که می‌تواند اشکال مختلف کوشش برای آزادی را در خود جای دهد. مقصود از تاریخچه در این عبارت «پیشینه» است. تاریخچه زمانی به کار می‌رود که واقعاً تاریخچه‌ای در کار باشد.

۱) یک افسر حفاظت دشمن یک گلوله در کرد و کله یکی از مخالفان را زد.

۲) یکی از افسران حفاظت دشمن، گلوله‌ای شلیک کرد که به سر یکی از مخالفان

اصابت نمود.

«در کرد، کله و زد» واژه‌هایی عامیانه و گفتاری هستند. بهتر است از کاربرد این گونه

واژه‌ها در نوشته‌های جدی پرهیزیم. ما به جای این کلمات، از واژگان «شلیک کرد، سر

و اصابت نمود» استفاده کرده‌ایم.

* جمله ۱ نادرست و جمله ۲ شکل ویرایش شده است.

- ۱) مسکو مایل به انجام طرح خلع سلاح هسته‌ای اوکراین است.
- ۲) مسکو مایل به اجرای طرح خلع سلاح هسته‌ای در اوکراین است.
- بهرتر است به جای «انجام»، در این گونه جمله‌ها از «اجرا» استفاده کنیم؛ زیرا واژه «انجام» به تنهایی «پایان، سرانجام و عاقبت» معنی می‌دهد. در عین حال، چون در این جمله از طرح سخن رفته است، اجرا کلمه مناسبتری است.
- ۱) فرزندان، قبل از اینکه به عنوان «یک بار» برای خانواده تلقی شود، به عنوان یک منبع منفعت و ثروت به حساب می‌آمدند.
- ۲) خانواده‌ها فرزندان خود را منبع درآمد، تلقی می‌کردند نه سربار خانواده.
- بسیاری از واژگان این جمله بلند را حذف کردیم؛ بی‌آنکه معنی جمله دستخوش تغییر شود. نهاد جمله با فعل آن مطابقت نداشت: (فرزندان ... شود) بدون آنکه نیازی باشد، دو بار از ترکیب «به عنوان» استفاده شده بود.
- ۱) جمعیتی بسیار زیاد و بی‌شمار که به گونه‌ای نامتوازن پراکنده شده‌اند نه تنها منبع و منشأ گرسنگی است بلکه این جمعیت انبوه همچنین مخرب محیط زیست نیز می‌باشد.
- ۲) جمعیت زیاد، پراکنده و نامتوازن نه تنها باعث قحطی می‌شود بلکه محیط زیست را نیز ویران می‌کند.
- جمله دوم، با حذف کلمات مترادف از جمله اول به نصف کاهش یافته است.
- آوردن قیدهایی چون نه تنها، بلکه، همچنین و نیز به طور همزمان در یک جمله درست نیست. شکل کاربرد این قیود معمولاً چنین است: نه تنها ... بلکه. املاي کلمه گرسنگی نادرست است؛ همچنین‌اند کلمه‌هایی چون خواننده‌گان، شرکت‌کننده‌گان و ...
- از کاربرد «می‌باشد» تا حد امکان پرهیز می‌کنیم و واژه معادل آن «است» را به کار می‌بریم.
- ۱) نتایجی که امروز به دست آمد را گزارش می‌کنم.
- ۲) نتایجی را که امروز به دست آمد، گزارش می‌کنم.
- حرف نشانه «را» پس از مفعول قرار می‌گیرد. حذف «را» و نیز استفاده بیهوده از آن نادرست است.

۱) هنوز معلوم نشده است چه تعداد از قبول شدگان شامل این قانون شده‌اند.
۲) هنوز معلوم نشده است چه تعداد از قبول شدگان مشمول این قانون شده‌اند.
کلمه‌های شامل و مشمول را هیچ‌گاه نباید به جای هم به کار برد.
۱) در سال ۳۳۴، آل بویه بغداد را فتح و خلیفه را بر کنار و پسرش را به جای او برگماردند.

۲) در سال ۳۳۴، آل بویه بغداد را فتح کردند و پس از برکنار کردن خلیفه، پسرش را به جای او برگماردند.

فعل هیچ‌گاه نباید بی قرینه حذف شود. برکنار ← برکنار کردند. فتح ← فتح کردند.
حذف فعل زمانی جایز است که فعل محذوف با فعل جمله پس از آن یکی باشد: این مسئله بررسی و حل شد.

۱) یکی از دلایل علاقه من به موسیقی کلاسیک این است که شما با شنیدن آن، احساس آرامش می‌کنید.

۲) یکی از دلایل علاقه من به موسیقی کلاسیک این است که، با شنیدن آن، احساس آرامش می‌کنم.

در بخش دوم جمله نخست، مقصود از «شما» نوع آدمی است اما شیوه طرح جمله به گونه‌ای است که به نظر می‌رسد نهاد به شکلی نابه جا تغییر داده شده است.

۱) دیدگاه او از دیدگاه روان‌شناسان متفاوت است.

۲) دیدگاه او با دیدگاه روان‌شناسان متفاوت است.

حرف اضافه «متفاوت» «با» است نه «از» چنان که می‌دانید، برخی فعل‌ها یا گروه‌های اسمی حرف اضافه معینی را می‌پذیرد؛ مثلاً «آموختن به ...» به معنای یاد دادن و «آموختن از» به مفهوم «یاد گرفتن» است.

۱) انیشتن، پس از بیست و دو سال زندگی در شهر پرنستون امریکا درگذشت.

۲) انیشتن، بیست و دو سال از عمرش را در پرنستون گذراند و در همان جا درگذشت.

جمله اول ابهام دارد و از آن چنین برمی‌آید که انیشتن تنها بیست و دو سال عمر

کرده است.

این گونه جملات که دو یا چند معنی دارند، در نتیجه نشستن واژگان در جای نامناسب، تتابع اضافات، مشخص نبودن مرجع ضمیر، وجود جملات معترضه، طولانی شدن جمله‌ها، ضعف و سستی پیوند اجزای جمله و حذف‌های نابه‌جا به وجود می‌آیند. (۱) پلیس آن کشور بار دیگر، در یک یورش وسیع و گسترده ای، ده ها تن مسلمان را در این کشور، بازداشت کرد.

(۲) پلیس آن کشور، بار دیگر، در یورشی گسترده ده‌ها مسلمان را بازداشت کرد. در این عبارت، واژه‌های «یک، وسیع، ای، تن، در این کشور» زاید یا تکراری هستند و می‌توانیم بدون آنکه به ساختمان جمله و معنای آن لطمه بزنیم، آنها را حذف کنیم. (۱) آگاهی و بیداری، مسلمانان را فراگرفته است.

(۲) مسلمانان در همه کشورهای آگاه و بیدار شده‌اند.

گاه برخی از تعبیرهای نامناسب (تعبیر قیدی، وصفی، فعلی، اسمی و ...) که از راه ترجمه یا بر اثر بی‌مبالاتی اهل زبان به زبان راه یافته‌اند، فهم جمله را دشوار می‌سازند.



واژه های هم آوا (۲)

انواع هم آوایی در زبان فارسی:

۱) واژه هایی که از نظر شکل نوشتار و گفتار یکسان هستند.

مانند: روان (= روح) روان (= جاری)

گور (گورخر) گور (قبر)

۲) واژه هایی که از نظر نوشتاری متفاوت ولی از نظر گفتاری دارای

تلفظ یکسان هستند.

مانند: خوار خار

خویش خویش (= گاو آهن)

قَدْر غَدْر

خودآزمایی

۱) جمله‌های زیر را ویرایش کنید.

- موضوع ساده‌ای که ممکن است در هر عصر وزمانی نگران‌کننده باشد، این است که وقتی سطح انرژی بدن کاهش یافته، می‌تواند به راحتی شما را عصبی و از کوره به در ببرد.
- اکنون شرکت‌های تعاونی از موقعیت خوبی دارا هستند.
- انجام‌دهنده‌گان این پروژه باید جرئت ریسک کردن را داشته باشند.
- عدم وجود برنامه مناسب باعث انجام به موقع فعالیت‌های ورزشی نشده است.
- کاهش بارنده‌گی در پارسال گذشته، در کمبود منابع آب‌های تحت‌الارضی بی‌تأثیر نیست.
- به بخش بعدی برنامه ملاحظه فرمایید.
- مورخان جرئت به افشای کشف خود کردند.
- ادامه و تأکید بر انجام چنین تمرین‌هایی باعث تقویت مهارت‌های نگارشی می‌گردد.
- در واقع این جور وقت‌ها آدم دچار خودپرستی می‌شود که به درد نمی‌خورد.
- حسن به برادرش گفت که مقاله‌اش منتشر شده.

۲) نمونه‌های دیگری از کلماتی را که در «پیاموزیم» خواندید بنویسید.

۳) بخشی از یک نشریه یا روزنامه را انتخاب کرده، با توجه به نکاتی که در این درس خوانده‌اید،

آن را ویرایش کنید.